

نشریه نبرد خلق، منتشره توسط سازمان چریکهای فدائی خلق، بدست ما رسیده است. این نشریه حاوی مقالات و اخبار متعددی است که از پاره‌ای از آنها در همین شماره باختر امروز استفاده شده است. امیدواریم بتوانیم در آینده قسمت‌های بیشتری از مطالب بسیار آموزنده و مفید این نشریه را در اختیار آزادیخواهان قرار دهیم.

فروردین ماه ۱۳۵۳

دوره چهارم

شماره ۵۲ - سال چهارم

## مرحله‌ای جدید در تطور خورده امپریالیسم

با شکست ارتجاع در صحنه‌هایی از نبرد، عرصه توطئه و تجاوز به نقاط دیگر منتقل می‌شود

ما در گذشته و بخصوص در مقاله « خورده امپریالیسم » در شماره ۳۸ نشان دادیم که چگونه امپریالیسم کشورهای خاصی را برای ارتقاء مقام، به سطح دستیار حلی دست نشانده خود در نظر گرفته است و گفتیم که این یک طرح امپریالیستی است و اینکه رژیم ایران نیز در ارتقاء به این مرتبت خورده امپریالیستی یا شبه امپریالیستی موفق شود با شکست بخورد، طور عمده وابسته به مقاومتی است که توده‌های خاق و پیشاهنگان آن در این زمینه نشان میدهند و نیز به « تعادل » نیروها در سطح جهانی بستگی دارد. مبارزات دلبرانه خلق ایران تاکنون توانسته است سدهای نیرومندی در راه اجراء این طرح امپریالیستی بوجود آورد ولی از طرف دیگر ساخت و باخت‌های بین‌المللی زمینه را برای انجام بی‌فایده این توطئه‌ها آماده‌تر کرده است. چونگی این جدال که در یک طرف آن مبارزین تسلیم ناپذیر خلق‌های ایران و جهان و در طرف دیگر همه سازشکاران داخلی و خارجی قرار دارند تعیین کننده موفقیت یا شکست این توطئه خواهد بود. پیروزی یا شکست تابع شرایط عینی است و نه خواسته‌ها و پندرها و آرزوهای نیروهای شخص خاص. ما برای اولین می‌بینیم که مبارزات خلق و نهرمانان دلیر، بسیاری از عناصر این توطئه را عقیم گذاشته است و این خود برای کسانی که شعور درک مبارزات سیاسی و نه گفت و شنودهای محفل را دارند عمده‌ترین و مثبت‌ترین عامل تعویق و نهایتاً در هم ریختن اساس این طرح است. از طرف دیگر باز بسهولت یزید میشود که امپریالیسم هنگام عقب‌نشینی از جبهتی بگوشد که از جهت دیگر وارد شود. در این مورد کوشش توأمان امپریالیسم و دست نشانده کثیف آنها، رژیم ایران، در مورد آفریقا که در این مقاله شرح آن خواهد آمد قابل ذکر است.

ما در گذشته پاره‌ای از عوامل و عناصری را که موجب انتخاب ایران بدین سمت نامیوم شده بود بر شمردیم. اینها عمدتاً عبارت بودند از: کثرت جمعیت ایران، وسعت متناسب و موقعیت استراتژیک آن نای طبیعی و بخصوص وجود ذخائر فراوان نفت، پیشرفته بودن مناسبات اقتصادی و اجتماعی ایران در ناس با کشورهای دیگر منطقه، عدم وجود مسائل عمده داخلی بصورت تضادهای سابقه دار با کشورهای دیگر رجوع شود به مقاله خورده امپریالیسم، باختر امروز شماره ۳۸)

بدین ترتیب ایران نه تنها میتوانست پایگاه مناسبی برای امپریالیسم (و نیز صهیونیسم) باشد بلکه قادر بود از موارد مختلفی، البته بطور موقت آنها را جانمایی و پایبندی کند. این امر نمایندگی و جانمایی در مواردی املا بکار گرفته شد و در مواردی در شرف بکار گرفته شدن است. ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره میکنیم.

۱ - اشغال نظامی جزایر خلیج فارس و تحت نازت گرفتن سیور و مرور در این خلیج. این نظارت، راد است طبق برنامه امپریالیستی به کنترل تبدیل بود. مبارزات نیروهای دیگر در خلیج فساوس و نیز نایت سرسپرده دیگر، ملک فیصل که مایل است افتخار نترل خلیج برای امپریالیسم به عهده او گذاشته شود



جاویدان باد

خاطره رفیق کارگر حسن نوروزی

در تاریخ ۱۹ دیماه ۵۲ یکی دیگر از رزمندگان دلیر و راستین خلق، رفیق کارگر حسن نوروزی در یک درگیری در منطقه لرستان بدست مزدوران رژیم سرسپرده غارتگران امریکائی وانگلیسی، به شهادت رسید. دشمن که حتی از انتشار خبر درگیری‌های مسلحانه مبارزین و شهادت آنان نیز وحشت دارد، خبر این درگیری را ۱۳ روز بعد یعنی روز دوم بهمن آنهم بصورت گنگ و مختصر و حسابشده اعلام نمود. دشمن از انتشار خبر این درگیریها وحشت دارد چراکه بوسایل بزناگون همه تلاش خود را بکار میبرد تا به جهانیان وانمود سازد که هیچ جنبشی و مبارزه‌ای در ایران وجود ندارد و « افسانه ایران جزیره ثبات و آرامش همچنان بنا بر جاست، و! ولی این درگیریها و نیز سایر عملیات مسلحانه چریکهای انقلابی که بی‌بار غمده‌ای از مزدوران دشمن را از پای درمیآورد، همه تلاشهای تبلیغاتی رژیم ضد خلقی شاه را در این زمینه نقش بر آب ساخته و بیانگر این حقیقت است که جنبش مسلحانه آزادیبخش خلق ایران خاموش شدنی نیست و همچنان ادامه دارد و گسترش مییابد. نمیتواند هم جز این باشد تا وقتی که بهره‌کشی انسان از انسان وجود دارد، مبارزه آزادیبخش خلقها برای در هم کوبیدن بهره‌گشان وجود خواهد داشت و تا ناپسودی نهائی آنان ادامه خواهد یافت. این حقیقتی تاریخی است. اگر دشمنان خلق نمی‌خواهند آنرا بپذیرند، تاریخ بآنها نشان خواهد داد.

رفیق حسن نوروزی یکی از بهترین فرزندان خلق ما و یکی از مبارزین اذیل کارگری ایران بود. او در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری در شهر تهران تولد یافت. پدرش از کارکنان راه آهن دولتی و یکی از فعالین حزب توده بود که در اوایل سالهای ۳۰، بدلت درک

بقیه در صفحه ۲

۶ - بسیج وسیع نیروهای نظامی در مرز عراق برای تهدید عراق و کمک به نیروهای ملامصلطی بازرانی. چندین هزار نفر چریک کرد (پیشمرگهای ایران) علاوه بر نیروهای نظامی ارتش در منطقه هستند و شنیده میشود که عده کثیری از آنان بداخل کردستان عراق اعزام شده‌اند. در اینجا باید با دقت تمام مسئله حقوق ملی خلق کرد در عراق را از تحریکات مغرضانه رژیم ایران جدا کرد. رژیم ایران همان رژیمی است که مبارزین دلیر کرد مانند شریف زاده و یارانش را کشت و امروز هم هر گونه مبارزه‌اصیل را در هر نقطه سرکوب میکند. غرض شاه و اقدامات تجاوزکارانه او در جهت استیغای حقوق ملی کردهای انقلابی در هیچ نقطه‌ای نیست بلکه درست در جهت تقویت نیروهای دست راستی است.

۷ - بسیج نیروهای نظامی در خوزستان علاوه بر تهدید عراق به باز کردن دهبه دوم، علیه اعراب (جبهه اول اسرائیل است) همچنین به تشدید فشار و خفقان بر اعراب مترقی ایران نیز کمک کرده است. رژیم ارتجاعی ایران در هر حرکتی تجاوز به خسارج و تشدید خفقان در داخل را توأم میکند.

۸ - سفارشات سرسام آور اسلحه که در آینده از آنها که غلنی شده و قسمتی فاش نشده یاد خواهیم کرد بقیه در صفحه ۵

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپریسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

فرصت طنبی و بی لیاقتی رهبران حزب تسوده از آن کناره گیری کرده بود . بدین ترتیب رفیق نوری در یک کارخانه سیاسی و آژامه رشد یافت . پدرش در سال ۱۳۳۴ ، پس از شکست متضامانه حزب تسوده و براف افکندن دستگاه آدمکشی شاهخائن، در جریان یک عمل فدائی با همکاری سایر رفقایش یک قطار بزرگ باری را که حامل سوخت و تجهیزات نظامی برای ارتش بود نزدیکیهای ایستگاه پرندک از خط خارج کرده و نابود کرد . هدف از اجرای این عمل آن بود که سوخت و مهمات کمتری بدست رژیم شاه خائن برسد ، رژیم را بی‌دفاعت اسلحه از بیگانه خون خلق ایران را می‌ریخت و میکوشید نفت ملی شده را دوباره به خارجیان بدهد .

شهادت پدر در رفیق نوری تأثیر بسیاری بخشید ولی او بعزت کمبود سن هنوز قادر نبود مسائل سیاسی و مبارزاتی آن دوران را تجزیه و تحلیل نماید . با اینهمه او بخاطر شرایط زندگی با دردها و رنجهای کارگران بخوبی آشنا بود و از اختلافات طبقاتی شدیداً رنج میبرد و بارها و بارها از خود میپرسید « چرا کارگران که در بدترین شرایط در سرما و گرمای طاقت فرساز محنت می‌کشند و شیوه جانشان کشیده میشود و نعمت‌های مادی را بوجود میآورند ، خود از این نعمت بهره ناپذیری میبرند و مینایست همیشه در فقر و تیره‌روزی زندگی کنند ؟ در حالیکه سرمایه داران بدون اینکه خود کار کنند و زحمت بکشند ، با بهره‌کشی از کارگران استفاده از حاصل دسترنج آنان ، در بهترین شرایط زندگی کنند و با درآمدی صدها برابر بیشتر از درآمد زحمتکشانی که با کار و زحمت کارگران ساخته میشود بهره ببرند ؟ »

برخی در مقابل این سوالات جواب میدادند که « قسمت و قضا و قدر علت اصلی فقر و تیره روزی کارگران است و همین موضوع سرمایه‌داران را با وج ثروت و رفاه رسانیده است . ! یا اینکه سرمایه‌داران بخاطر عرضه و لیاقت بیشتر موفقی شده‌اند به نعمت‌های زندگی دست یابند و هر کسی که لیاقت داشته باشد میتواند مانند سرمایه‌داران زندگی کند . ! »

ولی این گفته‌ها و نظایر آن که از روی نا آگاهی و تحت تأثیر تبلیغات دولت ضد خلقی بیان می‌شدند نمیتوانستند رفیق نوری این کارگر دقیق و هوشیار را قانع کنند او بعدها که بزرگتر شد دریافت که این گفته‌ها دروغهای بزرگی هستند که دولت سرمایه‌داران با تمام وسایل از قبیل رادیو ، تلویزیون و روزنامه‌های مختلف جیره‌خوار میکوشند بکارگران تحمیل کند و بزندگی پرازرنج و عذاب قانعشان سازد تا راحت‌تر شیوه جان آنان را بکشد و او همچنین فهمید که پاسخ درست پرسشهای خود را در کتابهایی میتواند پیدا کند که از طرف رژیم ضد خلقی شاه ممنوع شده تا کارگران و زحمتکشانی نتوانند به علل فقر و تیره روزی خود پی ببرند و از آنجا بر علیه دشمنان طبقاتی خویش مبارزه بریزند . ولی رفیق علیرغم مشکلاتی که در این راه وجود داشت از هر فرصت و امکانی برای مطالعه کتابهایی که علل رنجها و مصائب کارگران و راه‌های آنان را تشریح میکرد ، استفاده مینمود . زندگی رفیق نوری از همان دوران نوجوانی با کارگری و سرگردانی سپری شد . او که بهیچوجه نمیتوانست پایبندالتی‌ها و زورگوئیهای کدر کارخانه‌ها بر کارگران اعمال میشود ، سازش کند هر چند گاه از کارخانه‌های بکارخانه دیگر میرفت . او پس از چند سال کار در شهرهای جنوب مانند بوشهر ، کرمان و شیراز به تهران آمد و در کارخانجات شاه پسند مشغول کار شد و کار در کارخانجات بزرگ را نیز تجربه کرد . او یکسال تمام بعنوان کارگر شب کار از نیمه شب تا صبح در این کارخانجات کار کرد . نمره کار و زحمتش را کارخانه داران بالا می‌کشیدند و حقوق ناچیزی باو میدادند که بزحمت تکافوی مخارجش را میکرد . پس از مدتی کار طاقت فرسا در کارخانجات شاهپسند رفیق نوری در کارخانجات راه‌آهن دولتی استخدام شد . همانجایی که پدرش کار و مبارزه کرده و شهید شده بود . در کارخانجات راه آهن او فرصت بیشتری برای مطالعه پیدا کرد . بعد از ظهرها پس از خاتمه کار او به‌همراه

چندتن از عناصر روشنفکر و کارگر که در محله مختاری تهران با هم زندگی میکردند جلسات مخفی تشکیل داده میکردند و بدین ترتیب در جریان تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشانی سایر کشورها قرار میگرفتند . رفیق نوری در این دوران متوجه شد که کارگران سراسر کشورها برای رهایی خویش چه مبارزات طولانی و دشواری داشته‌اند و چگونه در بعضی از کشورهای کارگران با مبارزات شجاعانه و طولانی خود توانسته‌اند حکومتها را از دست دولت سرمایه‌داران خارج کنند و خود با تشکیل دادن حزب طبقه کارگر و متحد کردن تمام زحمتکشانی حکومت را بدست گیرند و عدالت و مساوات واقعی را که فقط حکومت کارگران میتواند برقرار کند در کشور خود بوجود آورند . رفیق نوری با مطالعه کتابهای ممنوع شده از طرف دولت بعقل فقر و درماندگی طبقه کارگر پی برده بود سعی میکرد این کتابها را در اختیار سایر کارگران قرار دهد و آگاهی آنانرا بالا ببرد . ولی اگر چه او میکوشید با رعایت احتیاط کامل که لازمه کار در آن شرایط است ، آگاهی سیاسی کارگران را افزایش دهد ولی متأسفانه در این کار پیشرفت چندانی نداشت . زیرا از طرفی او مشاهده میکرد که وجود شعبه‌ای از سازمان امنیت در کارخانجات راه آهن بنام اداره حفاظت که هرگونه ابراز مخالفتی را با تهدید ، دستگیری و زندان پاسخ میدهد ، همچنین سرکوبی‌های وحشیانه مبارزات خلق در گذشته ، باعث شده است که آنان در مقابله با قدرت رژیم حاکم خود را ضعیف و ناتوان تصور نموده و از اینرو تمایلی بکار سیاسی نشان ندهند . از طرف دیگر او با بی‌اعتمادی کارگران بخصوص کارگران با تجربه و قدیمی نسبت بمبارزین سیاسی مواجه بود . این کارگران بخاطر تجارب دردناک از خیانت رهبران حزب توده شدیداً از مبارزه سیاسی ریمیده و ناامید شده و به هر نوع حرکت و جنبشی بر ضد رژیم بچشم بی‌اعتمادی نگاه میکردند و حتی بارها بر رفیق نوری میگفتند که « تو هم مانند آنها همدنی جز منافع شخصی و خصوصی خود نداری، البته رفیق نوری باین کارگران حق میداد زیرا در شرایطی که آنان آماده هر نوع فداکاری و جانپازی بودند رهبران فاسد آنها را ترک کرده و گریخته بودند .

در این زمان بود که رفیق نوری با گروه سیاسی رفیق احمدزاده ارتباط برقرار کرد و بعضویت این گروه در آمد . گروه مزبور که بنیان مارکسیستی داشت در آن موقع کارش مطالعه و تحقیق در کارخانجات و روستاهای ایران و کشف زمینه‌های مبارزه انقلابی بود گروه در آن زمان بکار سیاسی صرف در میان کارگران و دهقانان اعتقاد داشت و از اینرو بر رفیق نوری پیشنهاد کرد که در کارخانجات راه‌آهن همچنان به آگاه کردن کارگران ادامه دهد . ولی رفیق نوری بنا بر تجارب عملی خویش صریحاً اعلام کرد که کار سیاسی بدون یک پشتوانه قدرت و بدون جلب اعتماد عملی کارگران امری بیحاصل است . باید تصور شکست ناپذیری قدرت رژیم و ناتوانی و ناامیدی در مقابله با این قدرت را در ذهن کارگران ، از بین برد تا بتوان آنانرا بمبارزه سیاسی جلب نمود . و این امر جز با مبارزه مسلحانه علیه رژیم و نشان دادن ضربه پندری دشمن در عمل ، ممکن نیست . از این طریق است که ایجاد رابطه با کارگران امکان پذیر میگردد . زیرا کارگران فقط با مشاهده عمل انقلابی ، فداکاری و جانپازی پیشگامان است که باتوانطمینان خود را باز می‌یابند والا حرف زدن و عمل نکردن کاریست که توده‌ها از آن گریزانند . توده‌های کارگری از پیشاهنگان خود انتظار رهبری تنها را ندارند بلکه می‌خواهند که مبارزین ابتدا خود بآنچه که میکوبند عمل کنند تا به گفته هایشان اعتماد نمایند . اینها تجربیات ملموس و زنده رفیق نوری این کارگر آگاه و انقلابی بود که پس از سالها کار در کارخانجات گوناگون با آنها دست یافته بود . در همان ایام رفیق نوری در یک مقاله تحقیقی و مستقل مسائل مربوط بمبارزات کارگری در ایران را مورد بررسی قرار داد و آنرا در اختیار سایر افراد گروه گذاشت . تجارب و نظریات رفیق نوری در ارتباط با تجارب سایر رفقای کارگر گروه سیاسی رفیق احمد زاده ، دلائل مطمئنی برای تدبیر خط مشی گروه و روی آوردن آن بمبارزه مسلحانه بودند . بالاخره سال ۴۹ اصول اساسی مبارزه مسلحانه و هدفهای سیاسی آن شکل گرفت . و گروه‌های مسلح که متعاقباً بمبارزه قاطع با رژیم و بازگرداندن اعتماد سیاسی بنوده‌ها

پس از سالها سکوت و خفقان بود دست بکار شدند . رفیق نوری از اولین کسانی بود که در صف انقلابیون حرفه‌ای و مسلح وارد شد . او از بهمن سال ۴۹ ، مدت سه سال همچون شیر بر علیه دستگاه ظلم و ستم جنکیدی . در آغاز کار چریکی رفیق نوری در نیم کرد و در عملیات تصاحب مسلول کلانتری قلهک ، حمله ببانک آینه‌نور بمنظور تأمین نیازهای مالی مبارزه و بعدها نیز در عملیات انفجار سفارت آمریکا و مصادره ماشین حامل پول بانک بازرگانی فیالآنه شرکت جست قاطعیت و شهامت انقلابی رفیق نوری در عملیات و بر خورد فعالش با قضایا و مشکلات آن همواره الهام بخش رفقایش بود . دشمن از همان آغاز مخفی شدند رفیق ، بخاطر ترس و وحشتی که از مبارزین کارگری دارد نیروهای زیادی را برای دستگیری وی بسیج کرده بود . چندین عنصر نا آگاه و ضعیف النفس نیز بمنظور شناسائی وی از طرف سازمان امنیت استخدام شدند بودند تا هر کجا او را دیدند معرفی نمایند . ولی در عمل این افراد هر کجا با رفیق نوری مواجه می‌شدند فراد اختیار کرده و قادر بانجام اقدامی نبودند . چند بار هم دشمن با نیروی بسیار زیاد رفیق نوری را محاصره کرد تا بتواند او را از پای در آورد ولی هر بار او با ابتکاء به شهامت انقلابی از محاصره خارج میشد و بمبارزات خود ادامه میداد . رفیق نوری در شرایطی که دشمن با سلاح‌های امریکائی در کشور حکومت‌نظامی بنیان بر قرار کرده است ، مدت سه سال شجاعانه مبارزه را بدست گرفت با خودش و رفقایش دست داشت و داوطلب انجام خطرناکترین ماموریتها بود . رفقای که با او کار میکردند بخوبی بیاد می‌آورند که او همواره این گفته رفیق استاین را بیان میکرد که « هرگاه هر قدری که برمی‌آید جز در راه اعتدالی طبقه کارگر و تحکیم دولت سوسیالیستی این طبقه باشد ، زندگی خود را را بیفروده میدانم . » او از همان روزی که اسلحه نبرد چریکی را بدست گرفت با خودش و رفقایش دست داشت بود که تا آخرین قطره خونش را در راه مبارزات خلقی و طبقه کارگر ایران فدا نکند از پای ننشیند ، او با ایمان و قاطعیت باین گفته و پیمان خویش وفا کرد و در هنگام مواجهه با دشمن شجاعانه جنگید و بشهادت رسید و پیمانش را با خون خود تضمین کرد .

رفیق نوری از رفقای ارزنده سازمان ما بود . خصلتهای اصیل کارگری رفیق همواره تأثیر زیادی در سایر رفقایش بجا میگذاشت . دلپسندی او بوظایف ، صمیمیت بیش از حدش ، عشق عمیقش بخلق ، فروتنی انقلابیش و قاطعیت و شهامت همواره سرمشق و الهام بخش رفقای است که با او کار میکردند . رفیق نوری در تابستان سال ۵۰ بخاطر قدرت‌جمع بندی و شناخت عملی بسیج‌اش از خلق و بخصوص طبقه کارگر ایران و نیز بخاطر تجارب مبارزاتی بسیارش ، در مرکزیت سازمان ما قرار گرفت و ثابت نمود که کارگران ایران بخوبی قادر هستند در رهبری مبارزات خلق شرکت جست و موثر ترین نقشها را در سازماندهی مبارزه عهد عهد گیرند .

شهادت رفیق نوری برای جنبش مسلحانه ایران ضایعه‌ای محسوب میشود ولی شهادت این قهرمان مبارزات چریکی در تمامی چریکهای انقلابی ایران تعهد و مسئولیتی ایجاد کرده است که آنها را قادر میسازد فقدان رفیق را با فعالیت هر چه بیشتر جبران نمایند . خلق ایران و در پیشاپیش آن طبقه کارگر ، همانطور که فرزند داستینی چون رفیق نوری را در دامان خودش پرورده است زرمندگان بسیار دیگری خواهد پرورد و بصف مقدم پیکار بر علیه سرمایه داری جهانی و رژیم شاه دست نشاندگان گسیل خواهد داشت .

« پرور باد مبارزات کارگران ایران »

« نا بود باد رژیم ضد کارگری شاه ، نوکر سرمایه‌داران آمریکا وانگلیس »

« جاودانه باد خاطره رفیق کارگر زرمند حسن نوری »

( چریکهای فدائی خلق )



تمام و کمال اطلاعاتی که جنبه امنیتی دارد و منتشر ساختن کوچکترین اطلاعاتی در باره فعالیتهای مخفی سازمانها و گروههای خلق ، ستاره سرخ شماره ۲۲ . در حقیقت ستاره سرخ که در یک مقاله بما حمله میکند و در مقاله دیگر بصورت واعظ غیر متعظ ما و همه را به «حفظ اسرار» دعوت میکند تا بلکه از بازگو کردن مطالب جلوگیری کند ، متوجه این نکته نمیشود که مطالب واضح و پدید بی بقدر کافی گویا هستند که ما نیازی به باز کردن هر مسئلهای نداشته باشیم . و از این گذشته باین نکته توجه نمیکند که مردم میدانند که تعیین کننده زمان و نحوه نشر مطالب باید خود سازمانهای مبارز باشند نه کسانی که اصولا باشیوه آن سازمانها مخالفند .

باور کنید ما متحیر میشویم که ستاره سرخ مخاطبین خود را ، کسانی را که میکوشد روی آنها تأثیر بگذارد و به راه خود معتقد کند ، چگونه کسانی میندازد ؟ اندرز ، و آنها از ستاره سرخ در مورد حفظ اسرار واقعا شنیدنی است . و لابد سازمانهای داخل هم که ستاره سرخ را نیز مانند تمام نشریات دیگر میخوانند در انتشار اسرار خود نکاتی را که این نشریه گوشزد کرده است در نظر خواهند گرفت .

۳ - ما اطلاعی از سازمانی چریکی که از عملیات چریکی روی گردانده باشد نداریم (البته بجز عناصر نام ) ، و بر عکس اطلاعات ماجاکی از تسریع فوق العاده حمایت مردم و گروههای مبارز از سازمانهای چریکی موجود و حتی تشکیل سازمانهای چریکی جدید است . چنانچه ستاره سرخ اطلاعاتی دارد و اشکال امنیتی هم وجود ندارد ، بهتر است آنها را در اختیار همگان قرار دهد و گرنه این اظهار ، خود نوعی شایعه پراکنی تلقی خواهد شد . ضمنا بمنظور تسهیل کار ستاره سرخ یادآوری میکنیم که هیچ سازمانی تا کنون در دنیا معتقد به «مخفی کاری سیاسی» نبوده است . اگر مطابق این ادعا سازمان چریکی وجود داشته که الان معتقد باین راه نیست و لابد این مسئله را اعلام کرده است . و قطعا در چنین حالی رژیم هم مطلع خواهد شد . ما دلیلی برای عدم انتشار آن از طرف ستاره سرخ نمیبینیم . در غیر این صورت هم ما و هم سایر مردم حق دارند نتیجه بگیرند که این اظهار ستاره سرخ هم مانند اظهارات ایشان در مورد سازمان آزادیبخش است .

ما تصور نمیکیم که عدم انتشار متن کامل اعلامیهها (و صرفا نقل قسمتی که موافق نظر است ) ، نحوه لو رفتن سازمانها (که خود سازمان امنیت خوب میدانند) ، چنانکه ادعا میشود بخاطر حفظ و اسرار جنبش ، باشد . در حقیقت این وظیفه ستاره سرخ است که با در معرض اطلاع عمومی گذاشتن اشتباهاتی که کرده ( اشتباهاتی که از دشمن مخفی نیست ) پای پیش بگذارد و از خود انتقاد کند و دیگر ما اشتباهات را ، در صورتی که بتواند تغییر کیفی در خود بوجود آورد ، تکرار نکنند . البته تا زمانی که چنین نشده برای همه جای شکفتی باقی خواهد ماند که ستاره سرخ در مورد چگونگی حفظ اسرار و دامن زدن به شایعات مقاله بنویسد . بهر حال ما این اطمینان را بایشان میجویم که در مورد مطالبی که ممکن است حساسیت و وجود داشته باشد بشرطی که عدم انتشار آنها مغایر با منافع جنبش نباشد سکوت کنیم .

۴ - متأسفانه نویسندگان مقالات ستاره سرخ بقدر کافی حوصله نکرده بودند که شماره ۵۱ باختر امروز بدستشان برسد و گرنه با تجدید ادعاهای سابق خود وضع خود را وخیم تر نکرده و سکوت میکردند . تصور میکنیم با خواندن مطالب شماره ۵۱ باختر امروز و بخصوص اعلامیه سازمان آزادیبخش دیگر جای شك و شبیه برای هیچکس و بخصوص ستاره سرخ در مورد این رفتار و نیز قهرمان شهید هوشنگ تره گل باقی نمانده باشد . ( گسو اینکه بدلائلی که در دست است قاعدتا پاره‌ای از اینها را خود ستاره سرخ خوب میدانسته ) .

۵ - روش ما در مورد مبارزات خلق دفاع از تمام عناصر و گروههای ضد امپریالیست و مترقی و مبارز صرفنظر از شیوه مبارزه آنهاست . ولی هرگاه افرادی چه در داخل و چه خارج از ایران بدون شرکت در مبارزات خلق ، علیه شیوه‌های موجود و بدون ارائه راه حل تبلیغ کنند و عبارتی خود هیچ نوع مبارزه واقعی

نکنند و تنها کارشان حمله به مبارزین ، تحریف نظریات آنان و دفاع از حامیان جهانی رژیم باشد طبعاً با مخالفت شدید ما و هر ایرانی وطن پرست دیگری مواجه خواهند شد و البته ما از نشان دادن دلایل اعمال و نوشته‌های نادرست آنها کوتاهی نخواهیم کرد . بنابراین اگر سازمان مایل به افشاء انگیزه‌هایش نیست خوب است که بگذارد خود سازمانهای داخل در مورد خود ، خواستها و هدفهایشان اظهار نظر کنند و سپس اگر ایرادی هست پس از درج نظریات داخل ، ایرادات خود را در سطحی که شایسته یک روشنفکر انقلابی است اظهار دارد . جعل و تحریف نظریات یک فرد یا سازمان شیوه مردمان عقیمانده و مربوط به دوران تاریخی دیگری است و از اینجاست که راه پولیک خلق بسته میشود و با سکوت ما روبرو میشود . ما بخود این اجازه را نمیدهم که صفحات قلیل نشریه خود را دائما صرف افشاء همه تحریفات بکنیم چه معتقد هستیم آنقدر این شیوه بدوی است که هر فرد علاقمند و آگاه خود بسهولت متوجه آن میشود و همیشه به افشاگری ما نیازی نیست . بنابراین اگر طرفداران طرز فکر خاصی می‌بینند که «مژمونی» ، حتی در محدوده خارج از کشور را در دست ندارند ، بجای حمله به نشریه ما (نشریه‌ای که در پولیک‌ها درگیر نشده و نمیتواند مقصر باشد) بهتر است تقصیر را متوجه اعتزای جنبش خلق و نیز افراد علاقمند و با شعوری کنند که خود صرفا با قرائت مطالب و تجربه متوجه حقایق شده‌اند . و اگر ایسن را موافق میل خود نمایند « لااقل در پی اصلاح شیوه‌های سنتی خود بر آیند .

۵ - هنگام نرشتن پاره‌ای از مطالب در باختر امروز میدانیم که وسیله رنجش عده‌ای را فراهم می‌آوریم ولی خوشبختانه معیار خود را بر پایه رنجیدن یا خوش آمدن هیچکس نمیثابت می‌کنیم . ما سعی میکنیم حتی المقدور بطور صریح اسم نیاوریم و این بخاطر آن نیست که مایل به اظهار نظر روشن نیستیم ، بلکه بخاطر این اعتقاد است که میدانیم افراد علاقمند و آگاه در هر صورت مسئله را خواهند فهمید و هم اینها مخاطبین ما هستند . ما نمی خواهیم برای افراد غیر علاقمند که میتوانند از این نوشته‌ها فقط بعنوان مستمسکی برای نفی مبارزه استفاده کنند یا آوردن نام ، محل سبیل الوصول بدست دهیم . ولی هیچکس نباید از ما توقع داشته باشد که مطالبی را که از نقطه نظر انتقال تجربه ، شناخت محرکها و انگیزه‌ها و بالا بردن سطح آگاهی عمومی مفید هستند و دشمن هم از آنها اطلاع دارد ، و نه تنها ضرری به جنبش خلق نمیزند بلکه در جهت تقویت و انسجام آن است ، صرفا بخاطر امکان رنجیدن عده‌ای منتشر نکنیم . ما حتی انتقاداتی را که چریکهای فدائی خلق از ارزنده ترین فرزندان خلق و با شهامت ترین ایشان کرده‌اند در مواردی که امکان داشته آورده‌ایم ، آنگاه چگونه ستاره سرخ توقع دارد که دلیل لو رفتن پاره‌ای از گروه‌ها ، آخر و عاقبت جزئی گری و ذهنی‌گری ، دلیل و انگیزه پاره‌ای از شایعات نادرست و مسائل دیگر را ذکر نکنیم ؟ از چه کسی حفظ کنیم از دشمن که خود آنها میدانند ؟ آیا ضرورت حفظ این «اسرار علنی» را چه کسی باید تشخیص دهد ؟

۷ - در مورد عدم انتقاد از گذشته خود یادآوری میکنیم که در مورد جبهه ملی و حزب توده و احزاب دیگر نه تنها ما انتقاد کرده‌ایم بلکه انتقاد را خلق ایران کرده است . اگر آن شیوه‌ها و روش‌های مسالمت آمیز امروزه بنتهایی نتیجه داشتند دیگر پیشاهنگان خلق اسلحه بر کف نداشتند و ما هم مدافع آنها نبودیم ، و اگر امروز لیبرالیسم آنها جوابگویی خواست توده‌ها بود جنبش انقلابی خلق معنائی نداشت . ما عادت نداریم که هیچ چیز یا بطور «چکی» قبول یا رد کنیم . هم دستاوردهای جنبش گذشته خود را می بینیم و هم معایب آنرا . هیچ چیز مطلق نیست ، باید دقت کرد و همه عناصر درون آنرا دید . اگر هم منظور ستاره سرخ از انتقاد از گذشته ، در آوردن چیزی مانند «صوبات پلنوم چهارم» حزب توده و سپس ادامه همان راه باشد ، آنطور که حزب توده ، اکنون با نهضت نوین خلق میکند ( و بعد هم پلنوم ... ) کم دیگری برای انتقاد از خود تشکیل میدهد ) ، ما هرگز چنین کاری نخواهیم کرد . ما دیرگاهی است که انتقاد سلاح را جانشین سلاح انتقادهای محفل شناخته‌ایم . (ضمنا بطور معترضه باید بگوئیم که ما تا کنون چیزی باسم انتقاد از خود از ستاره سرخ ندیده‌ایم . اگر

منظورشان از خود «حزب توده» باشد آنوقت ما متحیر میشویم که چگونه انتقاداتشان از حزب توده که مبتنی بر پذیرش خط مسالمت آمیز ، بکار بردن شیوه‌های نادرست عدم درک مارکسیسم لنینیسم و ... است ، امروزه از طرف خودشان مجاز شمرده میشود ؟ روی چه حسابی بکار بردن شیوه مسالمت آمیز ۲۰-۳۰ سال پیش غلط بود ولی امروزه درست است ؟ البته ما میدانیم که ستاره سرخ میگوید هر وقت توده‌ها بیا خاستند توده‌ها خود بخود بمبارزه مسلحانه روی نخواهند آورد ثابا ، چرا بزعم ستاره سرخ تا همین چند سال پیش که مسئله بهبود روابط در سطح جهانی مطرح نبود مبارزه مسلحانه در دستور کار قرار داشت و از همین قشمازی گرفته تا مبارزات کردستان همه درست بود ولی امروزه دیگر درست نیست ؟ آیا مبارزات چند سال پیش توده‌ای بود و حالا عقب رفته ؟ و یا اینکه قضیه درست برعکس است . قضیه درست همان است که چریکیا می گفتند و عدم وجود جنبش‌های خودی نه ناشی از رشد ناکافی تضادهای ، بلکه ناشی از سرکوبی ملامت پلیس و بی عملی بیشتر است . وجود سازمان انقلابی وسیع را بوجود جنبش‌های توده‌ای وسیع تعلق کردن ، در چنین شرایطی تعلق به محال است البته بدون آنکه نقش خود پیشاهنگ در بوجود آوردن چنین جنبش‌هایی در نظر گرفته شود . تمام بحث و دلائل چریکیا مبنی بر این است که « بدون شرکت توده نابودی ما حتمی است » و بنابر این مسئله اصلی پیدا کردن راه برای توده‌ای کردن جنبش است ، و خود جنگ چریکی شهری را باین منظور ، دقیقا باین منظور ، پیش میکشند ، ستاره سرخ و هم اندیشه‌هایش مثل اینکه قسمت اول را نشنیده‌اند تکرار میکنند بدون شرکت توده نابودی ما حتمی است ! بحث در این است که چگونه میتوان از تکرار یا بگردن گریه بست و جنبش را توده‌ای گرد ستاره سرخ میگوید پس از بستن زنگوله بگردن گریه ، باید مبارزه مسلحانه کرد . آیا ستاره سرخ فکر نمیکند علت اینکه مردم از افکار مورد نظرش روگردانده‌اند تعصق در این مطالب ، صحت آنها و نادرستی اندیشه‌های دیگر بوده است ؟ و یا اینکه هنوز ترجیح میدهد سکوت این و آن را عامل نگرانی‌های خود قلمداد کند ؟ آیا تصور میشود از این راه موفقیت بدست خواهد آمد ؟ ما معتقدیم که نه .

۸ - ستاره سرخ عبارات و الفاظی در مورد ما بکار برده که شایسته ما نیست و فقط شایسته دشمنان خلق است گو اینکه بکار بردن این الفاظ ممکن است بخاطر سایه انداختن بر روی ضعف استدلال بوده باشد . معذرا ما معتقدیم که این شیوه درست نیست . ما سعی کرده‌ایم و باین شیوه خود نیز ادامه خواهیم داد که بازه‌ای از واژه‌ها را برای دشمنان خلق ذخیره کنیم ، و زیاده نخواستیم اگر انتظار متقابل داشته باشیم . اینهم نه بخاطر تعلق خاطر به «احترامات فائقه» است ، بلکه ناشی از درک این واقعیت است که خواننده شعور تشخیص درست از نادرست را دارد و بنابراین در گرداب کلمات ناباب طوری غرق نخواهد شد که رشته‌های دستش خارج شود . بنابراین نیازی به بدگویی و سفسطه نیست . ما روی سخنانمان با آن قشرهایی است که مسائل را خوب میفهمند ، اهل تفکر و طالب حقیقتند البته کسانی هم یافت میشوند که باید آنها را با زور بدسخنی و سفسطه بطرف نظری جلب کرد . ما با این نوع افراد کاری نداریم و باین دلیل هم باین شیوه‌ها متوسل نمیشویم .

۹ - اگر کوشش در جهت حمایت از جنبش خلق سعی در انعکاس نظریات آنان ، پخش اخبار مبارزات انتقاد از همه نیروها و دولی که علیه جنبش خلق و نفع رژیم ایران میکنند جمع‌بندی تجارب و مبارزات خلقهای ایران و جهان ... ناشی از خصلت خرده بورژوازی بوده ، و در عوض ، پیروی بی چون و چسرا بوز سیاست‌های خاص ، منبعث از مارکسیسم باشد ، در این صورت ما اتهام خرده بورژوا بودن و علم اعتقاد به این نوع مارکسیسم را با جان و دل می پذیریم . و اگر این بینش خرده بورژوازی است که ما را وامیدارد به هوشنگ تره گل که جانش را در یک عمل چریکی و برای اتحاد با یک سازمان چریکی دیگر فدا کرد بگوئیم ، و که تو خودت نمی فهمی و در حقیقت چریک نیستی ، ما این اتهام عدم درک مارکسیسم لنینیسمی را که جز این بگوید ، عزیز میدانیم .

۱۰ - در مورد ارتباط ما و سازمانهای داخل و اینکه رویه ما در قبال آنها موافق نظریاتشان بوده یا نه بقیه در صفحه ۵

بقیه طرحه ای جدید

کرد چنان وضع غیر عادی را بوجود آورده است که بقول مطلعین از مهمترین موضوعهای مورد بحث در مذاکرات اخیر برژنف - گاندی را تشکیل داد. ایران در سال ۱۹۶۲ در موافقتنامه‌ای بطور کتبی به شوروی قول داد که و هیچگاه به امریکا در ایران پایگاه نخواهد داده. البته ایران بقول خود وفادار بوده است چه تمام اسلحه و تجهیزات فعلی با پول ایران خریداری شده و متعلق به ایران است و بنابراین ایران میتواند بگوید که به نوشته خود وفادار بوده است و وقتی که امکانات یک کشور تمام و کمال در خدمت امپریالیسم قرار میگیرند مسئله لزوم یکی دو «پایگاه» طبیعانتفی میشود.

۹ - اعطاء کمک و وام های هنگفت ( بیش از یک میلیارد دلار) به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای اعمال نظر در سیاست اقتصادی دولت کشورهای عقب مانده. این مسئله آنقدر مهم است که کشورهای امپریالیستی شغف زائد الوصف خود را از آیین ابتکار ایران (۱) خیلی علنی بیان کرده‌اند و البته ذکر این نکته نیز فراموش نشده است که این ابتکار شاهانه در چهارچوب استراتژی جهانی امریکا قرار دارد.

۱۰ - جدیدترین طرح در این زمینه واگذاری قسمتی از وظایف اسرائیل به ایران است. ما در مورد احاله بعضی از این وظایف در رابطه با اعراب در گذشته نوشته ایم ولی اکنون مسئله دیگری در حال تکوین است: چندین سال بود که فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی و جاسوسی اسرائیل در افریقا تشدید یافته بود. این فعالیتها هم در جهت تقویت اقتصادی و سیاسی کشور صهیونیستی اسرائیل، هم در جهت تامین منافع مستقیم امریکا و هم در جهت کسب اطلاع و سپس کمک به سرکوبی جنبش‌های مترقی این قاره بود. در جریان و پس از جنگ اکتبر ۷۳، اسرائیل بدلائل مختلف دچار یک سلسله شکست در این قاره شد که اهم آنها عبارتند از:

- الف - مبارزه خلق‌های مترقی افریقا.
  - ب - باز شدن مشت اسرائیل بعنوان یک حکومت نژاد پرست و وابسته مستقیم به امریکا.
  - پ - مبارزه سیاسی اعراب علیه اسرائیل.
  - ت - مبارزه اقتصادی پاره‌ای از کشورهای عربی علیه اسرائیل در افریقا با دادن وام و کمک و قول کمک بشرط قطع رابطه با اسرائیل.
  - ث - عدم توانایی مالی و تکنیکی اسرائیل در اجراء طرح‌های وسیعی که متعهد شده بود. در این زمینه جمعیت کم اسرائیل و عدم امکان گسیل تعداد زیاد تکنیسین و عدم امکان سرمایه گذاری خیلی وسیع، پاره‌ای از این کشورها را که منتظر عملی شدن تمهدهای اسرائیل بودند بسیار ناراحت کرده بود.
  - ج - انقلابی نمائی پاره‌ای از کشورهای ماهیستا مرتجع افریقائی و بخاطر تحقیق توده‌ها ( حتی دول مرتجع لیبی و حبشه و دول همکار و همپیمان صمیمی اسرائیل هم مجبور به قطع رابطه، ولو ظاهری، با اسرائیل شدند )
  - چ - مشاهده پوششایی بودن قدر قدرتی اسرائیل و حمایت فرصت طلبانه از برنده ( در مورد پاره‌ای از این کشورها )
- این عوامل دست بدست هم داده و بالاخره هنگامی که پس از چند روز افسانه چنین وچنانی اسرائیل را آبهای ترعه سوئز از دفتر پندارها شست موجب شدند که طرف مدتی کوتاهی تقریباً تمام کشورهای افریقا ( بجز دو حکومت نژاد پرست سفید پوست و حکومت‌های سیاه محصور در آنها ) با اسرائیل قطع رابطه کنند.
- این قطع رابطه که البته شکست سیاسی بزرگی برای اسرائیل بود از جهت اقتصادی حتی دردناکتر بود، و آنها نه تنها برای اسرائیل بلکه برای کل سیستم ارتجاعی جهانی که بسیاری از امیدهای خود را بر پایه نفوذ اسرائیل در افریقا گذاشته بودند.
- در اینجا بود که نقش جدیدی به عهده ایران گذاشته شد. اکنون که ایران رژیم خودفروخته‌ای دارد که حاضر به انجام اوامر امپریالیسم در هر نقطه جهان است چرا نباید از وجودش استفاده کامل کرد ؟ مثلاً نقش اسرائیل شکست خورده در افریقا را بعهده او گذاشت ؟ بخصوص که ایران برای تقبل این مسئولیت در مقام مقایسه با اسرائیل مزایائی داشت که آنرا خیلی مطلوب و مقبول نظر امپریالیسم میکرد :
- ۱ - ایران در افریقا تا اندازه زیادی ناشناخته بود و میتواند برای مدتی پوششی برای امپریالیسم باشد.
  - ۲ - بعنوان یک دولت آسیائی، برای افریقائی‌ها قابل تحمل تر بود تا اسرائیل، نهالی که از اروپا و امریکا سوخت آورده شده بود.

۳ - ایران کشوری «اسلامی» بود. این امر بخصوص هم از نظر سمپاتی مذهبی و هم از نظر اشکالی که برای بعضی اذهان در یکی دین ماهیت رژیم‌های مختلف وجود دارد، مهم بود. برای مردم، درک رابطه یک رژیم یهودی با صهیونیسم بعنوان یک فلسفه نژادی - دینی بسیار ساده‌تر است تا درک رابطه یک کشور «اسلامی» با آن. کار مبنغین ضد صهیونیست برای شناساندن چهره واقعی ایران مشکل تر است تا شناساندن چهره اسرائیل.

- ۴ - امکانات تکنیکی ( از نظر کمی ) و مالی ایران بسیار وسیعتر از اسرائیل است. ایران میتواند در آن واحد میالغ هنگفتی سرمایه گذاری کند و این امر بخصوص از این نظر هم که امپریالیسم محلی برای خروج پولهای هنگفت ایران میخواهد بسیار مهم است. علاوه بر قسمت زیادی از پولهای ایران که صرف خرید اسلحه و کالاهای امپریالیستی میشود، علاوه بر مقادیر هنگفتی که صرف سرمایه‌گذاری در انتهای جریان میشود ( باختی امروز شماره ۴۵ )، علاوه بر مقادیر زیاد دیگری که صرف «زیر سازی» طرح‌های امپریالیستی در ایران و وابسته تر کردن اقتصاد کشور به غرض میشود، علاوه بر پولهای هنگفتی که به بانکهای جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول و غیره که چیزی جز ابزار در خدمت امپریالیسم نیستند داده میشود، علاوه بر مقادیر سرسام‌آوری که حیف و میل میشود، ۵۰۰ علاوه بر همه اینها، باز هم آنقدر پول هست ( ۱۶ میلیارد دلار در سال ! ) که باید راه‌های دیگری برای خرج آن یافت، و البته بهترین کار برای امپریالیست‌ها صرف این پولها در راه‌هایی است که خود امپریالیسم میخواسته در آنها پول خرج کند. و از بهترین راه‌ها هم خرج آن در افریقا در خدمت هدفهای یاد شده است.
- ۵ - بازارهایی برای ایران - ما در این مورد بطور خاص مطالبی خواهیم نوشت. فعلاً همین بسنده میکنیم که پیدا کردن بازار برای اجناس ساخته شده ( و یا مونتاژی ) در ایران بسیار مهمتر از آن است که غالباً تصور می‌رود. بدون یافتن چنین بازاری هم اقتصاد ایران متلاشی خواهد شد و هم اینکه امپریالیسم قادر نخواهد بود به نرخ قابل رقابت، محصولات خود را ( سوار شده در ایران ) به افریقا بفروشد و در این صورت جا برای نفوذ نیروهای رقیب غرب باز خواهد ماند.
- ۶ - نجات اسرائیل از وضع وخیم فعلی با متمرکز کردن نیروهایش در قسمت‌های خاص و نه پراکنده.
- ۷ - حرکت در جهت انتقال صنایع «زمخت» کارگر طلب به کشورهای نظیر ایران و تمرکز صنایع دقیق که هم ارزش اقتصادی بیشتری دارند و هم در حقیقت «ریش» صنایع دیگر هستند در دست کشورهای امپریالیستی و صهیونیستی. در این مورد مطالب بسیار جالبی در دست است که نشان میدهد چگونه امپریالیسم می‌کوشد صنایع اسرائیل را «اولترا مدرن» کند و صنایع کارگر طلب را بعهده کشورهای نظیر ایران بگذارد. اقتصاد اسرائیل تنها با توسل به چنین شیوه‌ایست که قادر خواهد بود برای چندی دوام بیاورد و اقتصاد ایران هم با تقبل قسمت دیگر آن در این طرح امپریالیستی، اینها پاره‌ای از نکات مورد محاسبه امپریالیست‌ها بود. باید گفت که تنها امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی مانند ایران نیستند که به اجرای این طرح کمک میکنند. حکومت‌های ارتجاعی عربی و افریقائی با تأیید خود، و نیز قدرتهای جهانی با سکوت خود و عدم اعلام خطر آشکار نسبت به آن در حقیقت به اجرای آن کمک میکنند. فقط پس از گذشتن سالهای متمادی است که ( مانند امروز که مسئله تسلیح ایران برای همه از حال شوخی خارج شده ؟ ) بعضی از نیروها وانمود خواهند کرد که متوجه «نفوذ خرده امپریالیستی» ایران در افریقا شده‌اند. از اقدامات ایران در این رابطه، و شاید از اهم آن، مسئله تشکیل بانک توسعه آسیا افریقا برای وجود آوردن محلی برای نفوذ خود، طرح سرمایه‌گذاریهای وسیع در مراکش، سنگال، تونس، دعوت‌های پشت سر هم از روسای ارتجاعی کشورهای افریقائی در چند ماهه اخیر مانند دعوت از نیری، موبوتو سرس سگو، ا. بو احناتان از کشور لوسوتو و دیدارهای متعدد دیگری که طرح همگی در همین چند ماهه بسرعت رخنه شده، سفر اخیر هودا به افریقا و بالاخره ایجاد پایگاه نظامی او در حبشه است. اینها و اقدامات دیگر است که حکمت در تدبیر را در شروع آن نگذاشته و شروع به مقدمات آن از هر جهت فراهم شده است. و این همانطور که در مورد ط - خده است بالنسبه نوشته شد و بعد ط - د یک مسئله است و اح. او، آن مسئله دنگ. و بعد بالنسبه البته تا آنجا که دانش امکان

دارد در جوانب یک طرح مطالعه میدند تا محاسبه‌اش «دقیق» باشد. همه نوع کامپیوتر را بخند میگرد، ولی همیشه در مورد یک مسئله اشتباه کرده است، صد بار دیگر هم خواهد کرد و چاره‌ای جز اشتباه ندارد. این خصیصه ذاتی و ماهوی اوست. هیچ چیز فراتر از خود نخواهد توانست رفت. در مورد این طرح هم امپریالیسم اشتباه همیشگی را کرده است. اشتباه در مورد نیروی مقابله و مبارزه توده‌ها. همین امپریالیسم و همین اسرائیل دهها سال کوشیدند تا «پایگاه تمدن» و «پریشگاه» اسرائیل را بوجود آورند. یک «اشتباه کوچک» شد و آنها ندیدن نیروی مقاومت و مبارزه خلق عرب و فلسطین بود. نتیجه‌اش بود امروز عیان است. نتیجه نفوذ اسرائیل در افریقا هم پیداست. نتیجه توطئه‌ها در ویتنام و حساب کامپیوترها در شکست خلق ویتنام با ۵۰۰ هزار سرباز امریکائی طرف ۶ ماه هم معلوم شد! آنجا هم «اشتباه کوچک» بود. اینجا هم در مورد طرح‌های امپریالیستی و شبه امپریالیستی در ایران همین است. «اشتباه کوچک» ندیدن نیروی مقاومت و مبارزه خلق ایران و خلق‌های افریقا است و این حقیقت است و حقیقت مطلق است. و این بدان معنی است که بغرض خرده امپریالیست شدن ایران، بغرض نفوذ در افریقا، بغرض ... سر نوشت آن بهتر از سر نوشت فعلی اسرائیل در افریقا نخواهد بود. نه بهتر بلکه بدتر هم خواهد بود، زیرا اگر مبارزه طبقاتی اصیل در اسرائیل تحت الشعاع صهیونیسم فاشیستی قرار گرفته بود در ایران چنین چنین نیست. ایران هم اکنون پیشقراولان خلق بی‌باخته‌اند و دارند آن رابطه خلاق با توده‌های خلق را که سه سال برای بوجود آوردن آن جان فدا کردند بوجود می آورند، نهال دارد ثمر میدهد و روزی که بالاخره پرچم مبارزه را تودها بدست گیرند دور نیست، و آنگاه است که دیگر کوردلان نیز خواهند دید که کامپیوترهای ارتجاعی درست کار کرده‌اند و یا «اشتباه کوچک» دیگری مرتکب شده‌اند!

آن روز را ما می بینیم و ارتجاع نهی بینسد .  
بگذارد ارتجاع خواب و خیال ببیند . بگذار خیال  
که ترش «اورا اقیانوس‌ها» را بخود بدهد . مانیز  
کار خود را آغاز کرده‌ام . مانیز میانزات خود را  
ههروش همه خاق‌های تحت ستم و همه زحمتکشان  
جهان ادامه خواهیم داد و نشان خواهیم داد که برنده  
نهائی کیست !

بقیه اخبار

۴ تن از کمیته شهرانی شامل سه باسیان و یک  
افسر جلو یک‌یکان را در خیابان نارمک میکشند، انقلابیون  
بلافاصله هر چهار تن را کشته و با ماشین یکان صحنه  
را ترک میکنند .  
پلیس به خانه کارگری که اخیراً از زندان آزاد  
شده بود یورش میبرد . در این یورش یک دستگاه پلی  
کبی دستی که او بوسیله آن کتاب و پاره‌ای از تجربیات  
جنگ چریکی شهری در ایران، از انتشارات سازمان  
چریک‌های فدائی خلق را چاپ میکرده پیدا میشود .  
همزمان با حمله مزدوران به خانه این کارگر مبارز ،  
برادر جوانش که در خانه بوده بدون اسلحه و با دست  
خالی با مزدوران دشمن درگیر میشود و فقط زمانی که  
او از حال می‌رود و بر زمین می‌افتد مزدوران میتوانند وارد  
خانه شوند .

بقیه آری ، ما

توقع داریم که اجازه دهید خود آن سازمانها قاضی آن  
باشند . از ما نخواهید زنجید اگر قضاوت شما را  
نپذیریم .  
ما امیدواریم که در اثر این تذکرات و نیز تفکر  
بیشتر و کسب تجربه و دور اندیشی جامع تر، شاهد  
تغییرات زیادی در جهت بهتر شدن شیوه انتقاد، برخورد  
و پولیک و مبارزه در همه نشریه‌های باشیم. در این صورت  
اختصاص این چند صفحه به این مطالب، و با عباراتی  
که پاره‌ای از آنها در شرایط عادی حتی مطابق میل  
خود ما هم نیست، تضییق وقت و انرژی نبوده و مانند  
داروئی تلخ ولی موثر، قسمی در راه تجدید نظر و ارزیابی  
دقیق شیوه‌های گذشته و بهبود آنها تا حدی که متناسب  
با مرحله رشد فعلی جنبش بشود، محسوب خواهد شد.  
امیدواریم انتظار ما به عیب نباشد .

### مبارزه بحق کنفدراسیون

افشاء چهره پلید رژیم شاه

کنفدراسیون طی سالهای گذشته اقدامات بسیار خوبی در جهت دفاع از مبارزات و مبارزین خلق کرده و بحق توانسته است از عهده انجام وظائف میهنی خود بر آید اقدامات اخیر کنفدراسیون در دفاع از مبارزین ایران و تأثیرات عمیق آن در افشاء چهره رژیم، قدم مؤثری در اثبات صحت مشی کنفدراسیون است.

غرض دولت ایران از عکس العمل شدید خود در مورد اشغال کنسولگری ایران در هلند، نه تنها ابراز خشم از دولت هلند است (در حالیکه دولت هلند به نا حق افراد کنفدراسیون را محکوم به زندان کرده است) بلکه خیال خود با گیر آوردن حلقه ضعیف در کشورهای اروپائی - از آنجا که هلند بعلت جریانات نفتی آخیز بیش از سایر کشورهای متکی به نفت ایران استعایل است که ابراز قدرت نموده و سایر کشورهای اروپائی را بدینوسیله بنحو عمل تهدید کند - طبیعی است که سایر دول نیز که خود مایل به تحت فشار گردیدن ایرانیان مترقی هستند، از این مسئله مستثقی - برای انحراف آن بخش از افکار عمومی که از کنفدراسیون حمایت میکرده است خواهند ساخت، ولی باز تردیدی نیست که افشاء گری و فعالیت وسیع کنفدراسیون و نیروهای مترقی غربی این توطئه را فاش ساخته و دستاورد دیگری برای جنبش کسب خواهد کرد.

کنفدراسیون بعنوان يك سازمان توده‌ای از آغاز تولد تاکنون توانسته است بنحو مؤثری خواسته‌های ترقی دانشجویان ایرانی را بازگو کرده و در احقاق باره‌ای از آنها تا آنجا که در امکان سازمانی مانند کنفدراسیون است بکوشد. باین دلائل کنفدراسیون مورد مخالفت شدید تمام نیروهای قرار میگیرد که منافع خود را با منافع جنبش نوین خلق در يك جهت نمی بینند. این حملات هم از جانب رژیم بوده است و هم مخالفین رنگارنگ دیگر جنبش که دلیل وجودی جز «مبارزه با مبارزین» ندارند و کارزار مطبوعاتی علیه کنفدراسیون بره انداخته‌اند. معیناً کنفدراسیون نه تنها توانسته است با این توطئه‌ها مبارزه کند بلکه قادر شد است با حفظ پایه‌های توده ای خود مبارزه را بسطیح بالاتری نیز بکشد و مخالفین کنفدراسیون را افشاء کند.

وظیفه تمام ایرانیان وطن پرست و آزاده است که کنفدراسیون را در برنامه‌های مبارزاتی که منطبق بر خواسته های خلق است یاری کنند و بکوشند که این سنگر را که در اثر سالهای متمادی مبارزه بدست آمده است مستحکم تر سازند.

● در بهمن‌ماه يك پاسکاه ژاندارمری در شهرستان بروجرد بوسیله انقلابیون مصادره گردید که منجر به برقراری حکومت نظامی در منطقه لرستان و بخصوص بروجرد شد.

● خبر دقیقی در مورد درگیری رفیق خرم آبادی رسیده که حاکی از آنست که:

رفیق شهید مجتبی خرم آبادی باتفاق دو تن از رفقای دیگر در يك خانه تیمی واقع در میدان تریا در تهران ساعتی قبل از درگیری مورد محاصره قرار میگیرند هنگامیکه رفیق طبق معمول صبح از خانه خارج میگردد متوجه میشود که تحت تعقیب است بلافاصله اسلحه خود را کشیده یکی از مامورین ساواک را کشته و دیگری را هدف قرار میدهد و زخمی میکند. رفیق بلافاصله به خانه بر میگردد و رفقای دیگر را خبر میکند، بزآن لحظه بعد جنگ آغاز میشود. دو رفیق دیگر در پناه آتش رفیق خرم آبادی و باقاطعیت بی نظیر شان از حلقه محاصره فرار میکنند. رفیق خرم آبادی بدت طولانی با دشمن جنگ مینماید و در حالیکه شمارمیداد بشهادت میرسد گفته میشود دشمن در این درگیری نیروهای ساواک و شهربانی را بسیج کرده بوده است.

بته در صفحه ۵

### برای سوود بیستم

مطابق گزارش مطبوعات جهان، منافع آرامکو (کمپانی امریکائی نفت در عربستان) در طرف پنسیج سال گذشته ۳۵۰٪ شده و در همین مدت درآمد نفتی عربستان سعودی هم بهمین نسبت بالا رفته است. یعنی در حالیکه آرامکو ۳/۵ برابر گذشته، حق مالکیت و مالیات به دولت عربستان سعودی میریزد، باز هم آنقدر زیاد غارت میکند که خودش هم ۳/۵ برابر گذشته درآمد دارد و در سال ۱۹۷۳ میلغ ۸/۷ میلیارد دلار فروش میکند. یعنی هر بشکه نفت را که مطابق آمار خودش کمی بیش از ۱۲ سنت خرج تولید آن است، به ۴ دلار میفروشد.

براستی آنها چگونه میتوانند این منافع عظیم را برای خود حفظ کنند؟ جواب آنرا باید در شرایط رقت بار تحمیل بر جامعه‌ای دید که هنوز بنا به آمارهای انقلابیون عربستان میدهند، ششصد هزار بفرده در آن بسر میبرند (از کل جمعیت ۵ میلیون نفر)، جامعه‌ایکه هنوز در آن بچه‌های یکروزه را به حراج میگذارند و تحت عنوان قوانین مذهبی، دست و پا میبرند البته در این مورد اگر کوچکترین شبهه‌ای در مورد نیت خیر خواهانه و اعلیحضرت ملك فیصل دارید به عکس پائین دقت کنید. دستها و باهای قطع شده‌ای که آویزان هستند متعلق به کارگرانی میباشند که جرات اعتراض بر علیه صاحب کار و تقاضای شرایط زندگی بهتری داشته‌اند. صاحب کار، آرامکو، این دستها و باها را در جلوی در ورودی مرکز اصلی اش نصب کرده که باعث عبرت دیگران باشد و بدینگونه است که درآمدهای سررام آور آرامکو حفظ و حراست میشوند.



رژه من اینی العمال وارجلهم مقلعة علی مدخل البوابة الرئيسية لشركة آرامکو الامریکیة الاستعماریة فی طهران، وجرمهم انهم تظاہروا مطالبین بیض من حقوقهم النقابیة التي یحرمها الامریکان واذانهم الحکام

A bundle of hands and feet of workers hung on the main gate of the imperialist American company "Aramco" in Dharan. Their crime committed by these workers was that they demonstrated demanding for some of their unionist rights from which they were deprived by the Americans and their stooge rulers.



و جائیکه منفعت کافی وجود داشته باشد، سرمایه بسیار جدور است. يك منفعت ۱۰٪ بکاربرد آن را در هر نقطه‌ای تضمین میکند، ۲۰٪ منفعت مسلماً ایجاد اشتیاق میکند، ۵۰٪ منفعت به آن گستاخی فسران میبدهد، ۱۰۰٪ منفعت آماده‌اش میکند که همه قوانین انسانی را زیر پا بگذارد، و برای ۳۰۰٪ منفعت هیچ جنایتی نخواهد بود که از آن روگردان باشد، حتی اگر بقیت بدار زند صاحبش تمام شود.

از کتاب «سرمایه» مارکس

● در روز بیستم بهمن بمناسبت سوومین سالگرد سیامکل سه انفجار شدید توسط چریکهای فدائی خلق در اداره مستشاری نظامی ایران و امریکا - ستاد ژاندارمری کل کشور - فرماندهی ژاندارمری کل کشور صورت گرفت. در ستاد ژاندارمری چون انفجار در هنگام مراسم صبحگاهی بوده منجر بفرار ژاندارها در حین برقراری این مراسم میگردد.

● در مدت اقامت قابوس در ایران انفجارهای متعددی توسط سازمان مجاهدین و چریکهای فدائی خلق صورت گرفت. انفجار اول ساعت يك و نیم بعد از ظهر در حوالی میدان شهید قبل از آمدن قابوس و شاه بمیدان شهید جهت دریافت کلید طلای شهر رخ میدهد که موجب وحشت مامورین میگردد بعد بیمی در مسیر حرکت شان منفرج میگردد که موجب بسج تمام نیروهای شهربانی و ساواک برای کشف بقیه بمبها در سراسر مسیر حرکتشان میگردد. در این مدت سه انفجار از طرف چریکهای فدائی خلق در سفارت مسقط و عمان و شرکت فلر و دفتر شرکت هواپیمائی بی او - اسی و یک انفجار توسط مجاهدین در سفارت انگلیس صورت میگردد که موجب خسارت فراوانی میگردد.

● اطلاعات جدیدی در مورد گروه «عباده رفیق شهید عبدالله خدا رحمی که همراه ۵ رفیق رزمنده‌اش بدون هیچ خبر قبلی در سحرگاه ۳۰ بهمن بچسوبه اعدام بسته شدند رسیده است:

اوایل تابستان گذشته در حدود ۶۰ نفر از جوانان شهر نایب دستگیر و زندانی شدند اینها از بهترین و آماده‌ترین جوانان نهایند بودند که بخاطر اقدام مبارزه مسلحانه، دستگیر و زندانی گردیدند. آنها چند عمل مسلحانه موفقیت آمیز انجام داده بودند. از جمله «سازمان زنان» ازجایی نهایند را منفرج کردند. از کارهای دیگر این گروه خلع سلاح يك پاسبان در قسم و تصاحب اسلحه اش به نفع مقاصد انقلابی شان بوده است.

فعالترین عضو این گروه، رفیق شهید عبدالله خدا رحمی بود. او برفیقی ۲۱ ساله بود که بخاطر خصوصیات خوب و سرکشیش در مقابل زورگویی، در تمام شهر معروف شده بود. رفیق، دانش آموزی بود که همواره در کلاس در مقابل فرهنگ تحمیلی امیرالیه م ارتجاع که ذهن جوانان ما را مسموم میکند آگاهانه بمقاومت بر میخاست و درس را به بحث حادشور انگیز میکشاند. او طوری ماهرانه شاگردان را به بحث میکشاند که در پایان هیچکس متوجه نمیشد که این شور و غوغا را چه کسی بر پا کرده است. خیر فعالیتها، دستگیری وبعد اعدام این گروه بطور وسیعی در شهر نایب منعکس گردیده و هم اکنون بخشی از بخشهای مردم را مسائل مربوط به گروه تشکیل میدهد. یاد این رفقا و اعمال انقلابیشان نه تنها در خاطره مردم نهایند بلکه در قلوب یکایک مردم مین جاودانه خواهد ماند و دوسی دیگر برای پاک بازان در راه تحقق خواسته‌های ستمکشان خواهد شد.

● در دیماه گذشته در خیابان ظفر در تهران يك پاسبان توسط چند چریک مسلح خلع سلاح گردید. در شب عملیات يك اتوموبیل پیکان با چهار سرنشین بدو پاسبان که یکی از آنها مسلح بوده نزدیک میشود، سه نفر از آن پیاده میشوند و آدرس را از پاسبان مسلح میپرسند در این حال از فرصت استفاده کرده او را خلع سلاح میکنند. پاسبان که مقاومت نشان میدهد هدف کلوله قرار گرفته و کشته میشود. اسلحه ضبط شده يك اسپرینک فیلد امریکائی میباشد. پاسبان دیگر در این عملیات مجروح میشود.

این عمل توسط گروه مسلح جدیدی صورت پذیرفته است. بدنبال عمل اعلامیه‌ای در هنرستان علم و صنعت تحت عنوان «چراک‌های دم» بخش شده است. گفته میشود این اعلامیه از طرف گروهیست که این عمل را انجام داده است.

## ظفر مند باد جنگ عادلانه خلق